

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Vanguard Woman

زن پیشواز

سایت گزارشگران

۰۹ مارچ ۲۰۱۸

از مصاحبه های گزارشگران به مناسبت روز جهانی زن

## با مهستی شاهرخي نویسنده و شاعر



جنبش زنان یک عامل پیشبرنده است، ولی عامل خاتمه دهنده نیست. پرسش شما مانند این است که از من بپرسید: «آیا مبارزات کارگری توانسته است به اختلافات طبقاتی خاتمه دهد؟» نظریه ای که پیش از این به بسیاری از پرسش ها پاسخ می داد اما در قرن بیستم و در عمل آن طوری نشد که می نمود و این رؤیای زیبا به هرز رفت. همان طور که پیش تر گفتم جنبش زنان در سطح جهانی بسیار فعال است و دستاوردهائی دارد که در بهروزی بشر بسیار مؤثر است. پایان راه را نمی دانم چه خواهد شد، اما در شرایط پیچیده فعلی، وظیفه جنبش زنان، تلاش و تلاش بی وقفه و بدون هیچ گونه معامله یا چانه زنی با بالادستان است.

\*\*\*\*\*

مصاحبه های گزارشگران به مناسبت ۸ مارس روز جهانی زن

گزارشگران: چه تعریف مشخصی از روز جهانی زن دارید؟

مهستی شاهرخي: روز هشت مارچ، روز جهانی زن، به دلیل اهمیت این روز خاص در تاریخ مبارزات زنان برای دستیابی به حقوق خود جایگاه نمادین و ویژه ای دارد اما برای من مانند روز جشن، روز هشتم مارچ، روزی خاص است. روزی برای زنان و خاص زنان! «روزی از آن خود»! با این تعریف بایست هوشیار بود و نگذاشت این روز و دستاوردهای حاصله از آن توسط احزاب و ادیان و گروه های متمایل به دولت و شوهران و دایه های مهربان تر از مادر مصادره شود.

گزارشگران: شما جنبش زنان را چگونه تعریف می کنید و فکر می کنید چه اقشار و طیف هائی از جامعه کشور ما را شامل می شود؟

**مهستی شاه‌رخی:** لازم به گفتن نیست که زنان، مادران و خواهران و همسران و دختران و اقوام و معشوقه گان مردان جامعه اند. زنان نیمی از جامعه را تشکیل می دهند و در همه طبقات و اقشار و طیف های اجتماعی وجود دارند. حضور زنان در جامعه به صورت لایه ای و قشری یا افقی نیست بلکه عمودی است چون زنان در همه طبقات و قشرها حضور دارند. زنان همه جا هستند.

**گزارشگران:** آیا زنان با رفع ستم جنسیتی خواهند توانست به برابری کامل دست یابند؟

**مهستی شاه‌رخی:** مسلماً رفع ستم های جنسیتی، راه را برای رسیدن به برابری های حقوقی در جامعه هموار می کند؛ چرا که زنان کمترین دستمزدها را می گیرند، اما این نابرابری ها حاصل قرن ها بی عدالتی و پایمال شدن حق زنان بوده است. در قرن بیست و یکم هستیم و در یکسال اخیر همبستگی و پایداری زنان هنرپیشه غربی در اعتراضاتی علیه ستم های جنسیتی اعم از پیشنهاد و سوء استفاده جنسی و تجاوز که در حرفه خود متحمل شده اند توانسته تا حد بسیار زیادی فضای کار زنان را در دنیای سینما تغییر دهد.

اما در ایران در چهل سال اخیر، قانونش، با همکاری وکلای مسلمان بر حقوقی که دستاورد مبارزات آزادیخواهان دوران مشروطیت بود خط بطلان کشید و احکامی مانند سنگسار و چشم در آوردن و قطع کردن دست به آن اضافه شد و ایران به عصر حجر برگشت. ما در این چهل سال جهل پیش نرفتیم بلکه عقب نشستیم. تا خرخره در خرافات فرو رفتیم. فکر کنید در هزاره سوم هستیم و صدای زن در ایران ممنوع است!

شستن و پاکزدائی این لایه های جهل و لجن از ذهن زمان می خواهد. تراشیدن این زباله ها از ذهن نیاز به فرهنگسازی دارد. تحقق بخشیدن به این امر در کوتاه مدت میسر نیست. برای رفع نابرابری ها، به یک برنامه گسترده آموزش جامعه و فرهنگسازی در سطح کل کشور نیازمندیم تا زیر چتر قانونی انسانی برابری خواهانه، جامعه ای سالم برای زنان و مردان نهادینه شود.

**گزارشگران:** منشای ستم طبقاتی زنان را چگونه توضیح می دهید و چه تفاوتی بین ستم جنسی و طبقاتی است؟

**مهستی شاه‌رخی:** منشاء ستم طبقاتی افکار و آموزشهای تربیت های سنتی و عقب افتاده و پوسیده است و به همین دلیل به فرهنگ سازی ریشه ئی نیازمندیم تا از یک سو زنان را به بی حقی خویش آگاه کنیم و از سوی دیگر مردان را به بیهودگی مردانگی ناحق و نابرابر خود.

**گزارشگران:** آیا جنبش زنان به عنوان یک جنبش اجتماعی خواهد توانست به نابرابری زنان در جامعه خاتمه بدهد؟

**مهستی شاه‌رخی:** جنبش زنان یک عامل پیشبرنده است، ولی عامل خاتمه دهنده نیست. پرسش شما مانند این است که از من بپرسید: «آیا مبارزات کارگری توانسته است به اختلافات طبقاتی خاتمه دهد؟» نظریه ای که پیش از این به بسیاری از پرسش ها پاسخ می داد اما در قرن بیستم و در عمل آن طوری نشد که می نمود و این رویای زیبا به هرز رفت. همان طور که پیش تر گفتیم جنبش زنان در سطح جهانی بسیار فعال است و دستاوردهائی دارد که در بهروزی بشر بسیار مؤثر است.

پایان راه را نمی دانم چه خواهد شد، اما در شرایط پیچیده فعلی، وظیفه جنبش زنان، تلاش و تلاش بی وقفه و بدون هیچ گونه معامله یا چانه زنی با بالادستان است.

**گزارشگران:** وضعیت زنان کارگر را تحت تاثیر بحرانهای اخیر چه در سطح جهانی و چه ایران دستخوش چه تغییراتی شده است؟

**مهستی شاهرخی:** وضعیت کارگران ایران دردناک است. بدون سندیکا. بدون حمایت. بدون اجازه اعتصاب. بدون اجازه اعتراض. کار طاقت فرسا. بدون بیمه. بدون بازنشستگی. بدون حقوق. احکام شلاق و یا به گلوله بستن معترضان. ایران یک طرف و جهان یک طرف دیگر. جمهوری غارت و چپاول چنان کارگران را به مرگ گرفته است که به تب راضی باشند. در حیرتم که چگونه می توانند یک سال بدون حقوق سر کنند؟ این همه زحمت بکشی آخرش مزدت را ندهند تا نان زن و بچه ات را تأمین کنی؟ آن هم در یک کشور نفت خیز! و باورکردنی نیست که در قرن بیست و یکم دست آوردهای بشری تا این حد از کف رفته باشد!

**گزارشگران:** چه تفاوتی بین جنبش زنان و جنبش زنان کارگر موجود است؟

**مهستی شاهرخی:** طبیعی است زنان طبقه کارگر دوبار استثمار می شوند یک بار استثمار طبقاتی و یک بار هم استثمار جنسیتی و کمترین دستمزد را می گیرند. بیمه و پوشش اجتماعی هم غالباً ندارند. اگر شانس آورده باشد و از شوهرش کتک نخورده باشد و له و لورده نشده باشد، مراقبت از بچه ها و کار در خانه؛ تمیز نگه داشتن بچه ها و منزل و شستن لباس ها و پختن غذا هم به عهده زنهایست. در حالی که زنی از طبقه مرفه، طبعاً چنین مشلاتی را ندارد. جنبش زنان کارگر بخشی از کل جنبش زنان، و یا ستون فقرات جنبش زنان است در مجموع، جنبش زنان، جنبشی خواهرانه است که در همه طبقات و اقشار و سطوح جامعه از منافع پایمال شده زنان دفاع می کند و یا قرار است دفاع کند. تاریخ مبارزات زنان (اواخر قرن نوزدهم و ابتدای قرن بیستم) به خوبی نشان داده است که طبقات متوسط و مرفه و زنان لیبرال با تشکیل انجمن های حامی زنان فرودست و محروم جامعه در برابر دولت وقت بوده اند. در جاهائی زن بودن، زنان را باهم متحد کرده است.

**گزارشگران:** شما نظرتان درباره متشکل شدن زنان بطور عام و زنان کارگر بطور خاص چیست؟

**مهستی شاهرخی:** فکر و رؤیای خوبیست. اما متأسفانه زمانه از آن زمان تاکنون شکل زندگی بسیار فرق کرده است. شبیه سازی و مبارز سازی و حرکات نمایشی و یا همخوانی های بانوان باندهای درون حکومتی از این گونه است. این نوع اعمال باعث میشود که سخت هشیار باشیم تا در دام نیفتیم. متشکل بودن زنان فکر زیبایی است، اما نمی شود با خانمهایی که پایه های جمهوری قتل و غارت را استوار نگه داشتند احساس همبستگی خواهرانه داشت و فریب خورد و یا با خانم هایی که رفتند و آتش نذری خانمهای درون حکومتی را به هم زدند و اسمش را گذاشتند اکسیون «همگرایی»! به این زنان خیانتکار و حزبی به هیچوجه نمیشود اعتماد کرد. صد البته همبستگی با زنان کارگر مانع همبستگی با زنان دیگری که چهل سال جمهوری جهل و جنایت حقوقشان را پایمال کرد نمیشود.

جمهوری داعشی ایران در بهمن پنجاه و هفت بر خر مراد سوار شد و با استفاده از فضای شورش بر مسند قدرت نشست در حالی که هنوز قانوناً هیچ رسمیتی نداشت؛ از همان اول میخ خود را محکم کوبید. در اسفندماه با مطرح کردن مسئله حجاب در زمستان، جمهوری حجاب و حذف، به سرکوب زنان یا نیمی از ایرانیان پرداخت. اما عجب و حیرت که پیشروترین گروه های چپ نه تنها لب به اعتراض نگشودند بلکه به یاد دارم در آن روزها تک تک مردان روشنفکر، سربسته (با استدلال به اینکه حالا وقتش نیست. گرچه همان زمان وقتش بود که حجاب اجباری شود!) به ما زنان

سکوت را توصیه کردند! فروردین ماه که رسید پس از سرکوب کردستان، تازه نوبت «فراندم» برای رسمیت بخشیدن به اعمال غیرقانونی بود. همان را هم طاقت نیاوردند و «فراندم» را به شکل پرسش «آری یا نه» در برابر جمهوری جهل و جنایتی که آغاز شده بود مطرح کردند. بعد هم با کمک وکلای مسلمان قانون اساسی عهد حجر را مکتوب کردند. از هر زاویه که نگاهش می کنیم: زن یا مرد، کارگر یا دانشجو، کارمند یا کشاورز، بازندگان این رژیم تمامیت خواه و خودکامه و مردم ستیز و مردم فریب و زن ستیز، مردم ایران هستند. با فرو ریختن این رژیم غیر بشری، ضدانسانی، ضدکارگری گام بزرگی به سوی آزادی و رهائی از یوغ بردگی و بندگی برداشته ایم.

**گزارشگران:** ما شاهد بودیم که در چند ماه گذشته خیزش مردمی در جریان بود که هنوز کماکان ادامه دارد زنان بطور وسیعی در این اعتراضات شرکت نموده اند شما این حرکتها را چگونه ارزیابی میکنید؟ تعدادی از دختران جوان حجاب خود را به عنوان اعتراض از سر برگرفتند و این حرکت مبارزه زنان و دختران خیابان انقلاب نام گرفته است شما نظرتان درباره این حرکت چیست؟

**مهستی شاهرخی:** قیام دی ماه، قیام حیرت انگیز و گسترده ای از سوی مردم گرسنه بر علیه جمهوری چپاول و غارت در هشتاد شهر ایران بود. شورشی که پایه های پوشالی جمهوری شکنجه و اعدام را بدجوری لرزاند. «آقا خدائی می کند/ ملت گدائی می کند» قیامی که در آن مردم حتا یک شعار دینی ندادند و همه مطالباتشان مدنی بود و یا کسب آبروی از دست رفته! قیامی که در آن فاتحه جمهوری زور و سرکوب خوانده شد: «اصول گرا، اصلاح گرا، دیگه تمومه ماجرا!». قیامی که در آن شعار «چپاول، گرونی، زمان سرنگونی» سر دادند. در دی ماه، در شبهای سرد زمستان مردم به خیابان می آمدند و شعار «مرگ بر دیکتاتور» می دادند. به آمار و گفته خودشان: «حدود چهار هزار نفر» را از هشتاد شهر دستگیر کرده اند. چند جوان سالم و برومند در داخل زندان خودکشی شدند! چند نفر در زندان در حال اعتصاب غذا هستند و در حال مرگ. نوجوان پانزده ساله ای به جرم پاره کردن بنر به پنج سال زندان محکوم شده. از حال همه اینها بی خبریم. وکیلی که از شرف یک زندانی مرده دفاع کرده خود در زندان است. شیوه سرکوب در اوجش بیگناه و بی اسلحه فجیع و ننگین بود. آیا با عاشقان علی اینگونه رفتار می کنند؟

زینب جلالیان علیرغم بیماری ده سالست در زندان مانده، بزرگترین جرمش این است که کورد است. در همان روزهای قیام دی ماه، ویدا موحد بر روی سکویی در روز روشن در خیابان انقلاب در حالی که شال سفیدی را بر سر چوب زده بود و تکان می داد در ویدئویی دیده شد. ویدئوی این پرفورمانس بی کلام و این نوآوری و خلاقیت تک نفره در شبکه های اجتماعی پخش شد و با استقبال زیادی مواجه شد. در حالی که کسی نمی دانست او کجاست و چه بر سرش آمده است. او را «دختر خیابان انقلاب» نامیدند و طرح و تصویر و عکس و ویدئوی او در شبکه های اجتماعی به سرعت چرخید. شکل مبارزه اش نوین و بحث آفرین بود. پس از آن زنان دیگری در جاهای دیگر و ساعات دیگر با رنگهای دیگر عکس و حرکت ویدا را تکثیر کردند و راه او را ادامه دادند و می دهند.

مبارزه با حجاب اجباری در چهل سال گذشته، جانباختگانی هم دارد. حیف است اگر در این روزها از زن پزشکی که به خاطر حجاب جان باخت؛ از خانم دکتر هما دارابی که برای حجاب شغل استادی دانشگاه و سپس جواز طبابت مطب شخصی اش را لغو کردند و بیکار شد و به عنوان اعتراض در میدان تجریش خودسوزی کرد اسمی نبریم.

به نظر من «دختران خیابان انقلاب»، همان «دختران طاهره» هستند و دارند راه طاهره می روند و مطالبات دوران مشروطیت را از سر گرفته اند و جوانانی که به این زنان پیوستند نیز «پسران عارف» و میراثداران مشروطیت هستند. دست آوردهائی که جمهوری من در آوردی جهل و جنایت، چپاول و غارت، حقه و حذف، از ما به زور گرفت و دروغ

کرد. این جوانان هشیار و آزادیخواه، راه آنان را، به دور از تعلقات عقیدتی ادامه خواهند داد. ویدا دنیای بهتری برای کودکان خواهد ساخت.

**گزارشگران:** حدود یک دهه پیش سال ۸۸ جنبشی توده‌ا‌ئی هم شکل گرفت. مبارزه زنان در این جنبش بسیار چشمگیر بود و تعدادی از زنان هم کشته، دستگیر و زندانی شدند شما تفاوت مبارزات زنان در سال ۸۸ با مبارزه و خیزش مردمی که دیماه گذشته اتفاق افتاده را چگونه ارزیابی میکنید؟

**مهستی شاهرخی:** مبارزات پس از انتخابات سال هشتاد و هشت و جنبش هشت سال پیش از جنس دیگری بود. نیمی از اصلاح‌گرایان و یا بخشی از حکومت، آن جنبش را به خود اختصاص داده بود و تریبون‌ها را تصرف کرده بود. البته اعتراضات مردم و دانشجویان هم بود اما اختاپوس با دستهای بیشمارش در همه جا نفوذ کرده بود و کانال‌های ارتباطی مردم را قبضه کرده بود. چتربازها و بادکنکها سریع از آسمان فرود می‌آمدند تا سر و ته قضیه را به هم بیآورند. در نتیجه اعتراضات مردم به سرکردگی ایشان و سرکردگی سازشکارانه‌شان، (و عجیب اینجاست تا بر مسند قدرت می‌نشینند صفر کیلومتر و مبارز می‌شوند و آرایمر تاریخی می‌گیرند!) به جایی نرسید. اول از همه، آن سرگندیده و پوک، جوانان معصوم و نازنین ملت را زیر تیغ جلادان کهریزک و شخصی پوشان رها کرد. سپس خود را از مهلکه به بیرون کشید و با یوروهای اجنبی و لابی‌های غربی و دلارها و جوایزی که از چپ و راست می‌گرفت سرگرم شد و الان هم مواجیش را می‌گیرد و منتظر پست و مقام نشسته است. این قماش هرگز هم دغدغه «خلق» یا «مردم» را نداشته اند بلکه اینها دغدغه همیشگی‌شان کسب قدرت بوده است. جای تعجب نیست که در شرایط فعلی سکوت کرده اند.

**گزارشگران:** تصور شما برای پیروزی و به سرانجام رسیدن مبارزات زنان تا رسیدن به برابری که در اشکال مختلف بروز می‌نماید، چیست؟

**مهستی شاهرخی:** مبارزات زنان ایران و و مبارزات مردم ایران، روزی به نتیجه می‌رسد. پایه‌های این رژیم ضد‌مردمی و ضدزن بسیار لرزان و سست است. این جمهوری جنایت‌پیشه در دو سه ماه گذشته چنان بر خود لرزیده است که مرگ خود را به چشم دیده است یا به قول رئیس‌جمهور تدبیر و امیدشان «همگی درون کشتی در حال غرق شدن» هستند و به همین دلیل برای نجات خودشان به هر حيله‌ای متوسل خواهد شد.

**گزارشگران:** چنانچه ناگفته‌ای باقی است بگوئید

**مهستی شاهرخی:** نگرانی همیشگی من اینست که اینان با حيله‌ای، مبارزات جنبش زنان را به هرز بکشاند و به معامله و چانه‌زنی منتهی‌کنند. در این لحظه، جنبش زنان نمی‌تواند خود را از قیام‌دی ماه جدا بداند. پس آزادی چهار هزار زندانی سیاسی و آزادی همه زندانیان سیاسی عقیدتی و آزادی آن کودک پانزده ساله‌ای که بنر حضرت‌الالا را پاره کرده و رسیدگی فوری به وضعیت زندانیان در حال اعتصاب غذا، و محاکمه همه قاتلان فرزندان ایران زمین، جدا از آزادی «دختران خیابان انقلاب» نیست.

ترسم از این است که مبارزه و حرکت «دختران خیابان انقلاب» علیه حجاب وسیله‌ای باشد برای معاملات پسابرجام، چون اگر ایران بخواهد قراردادهای اقتصادی‌اش با غرب را حفظ کند، لازمه‌اش اینست که راه عبور را برای غربیان تا حدی هموار کند و یکی از آنها حل کردن مسئله حجاب است. البته آزادی‌هایی در حد کشورهای عربی و هم‌جوار؛

طوری که بشود به ایران رفت و آمد کرد. برای معامله و معاشرت با دنیای مدرن ایران ناگزیر است دست از این رفتار  
داعشی خود بردارد.  
به امید روزهای بهتر  
هشتم مارچ ۲۰۱۴ از پاریس  
با تشکر از شما مهستی گرامی  
گزارشگران